



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مشروعیت قیام

امام حسین علیہ السلام

از دیدگاه قرآن

علی کریم پور قراملکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مشروعیت قیام امام حسین ( علیه السلام ) از دیدگاه قرآن

نویسنده:

علی کریم پور قراملکی

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	مشروعیت قیام امام حسین علیه السلام از دیدگاه قرآن
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	پاسخ اجمالی
۷	بررسی و پاسخ تفصیلی
۷	شمه ای از زندگی و شخصیت امام
۸	دیدگاه های متفاوت پیرامون قیام امام
۸	اشاره
۸	دیدگاه نخست و نقد آن
۱۳	نقد و پاسخ
۱۶	قیام مصلحان از منظر قرآن
۱۹	حسین اصلاح گر بزرگ از دیدگاه قرآن
۲۲	نتیجه گیری
۲۴	درباره مرکز

### مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: کریم پور قراملکی، علی ۱۳۵۴-

عنوان و شرح مسئولیت: مشروعیت قیام امام حسین (ع) از دیدگاه قرآن [منبع الکترونیکی] / علی کریم پور قراملکی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۷ بایگانی: ۵۲KB)

موضوع: قیام عاشورا

مشروعیت

قرآن

حسین بن علی (ع)، امام سوم

### مقدمه

با توجه به این که انسان متدین امروزی، که به پاره ای از امور اعتقاد دارد، در جهانی زندگی می کند که هجمه های فکری و تبلیغی از اطراف عالم، از طریق رسانه های گروهی، با گرایش های متفاوت، او را هدف قرار داده و به سوی خود می کشند و هر لحظه احتمال سقوط در منجلابِ هلاکت برای وی متصور است، روشن است که شبهاتی پیرامون حقانیت برخی حوادث در مقوله دین و در زمان های گذشته، برای او رخ می نماید که برای صیانت از دین و دینداری، پاسخ های لازم و متناسب با روز را می طلبد. یکی از این شبهاتی که برای انسان آزاداندیش و مسلمان، همواره مطرح بوده، و اکنون نیز جای پرسش است این است که حرکت و قیام اباعبدالله (ع) بر چه مبنای شرعی و عقلی و اجتماعی صورت گرفت؟ آیا می توان قیام آن حضرت را بر اساس معیارهای قرآنی و حدیثی و ملائک های عقلی و نظری توجیه و مدلل نمود و آن را با موازین اسلامی و شرعی منطبق دانست یا نه؟

### پاسخ اجمالی

البته پرسش فوق از دیدگاه کسی که معتقد به امامت و ولایت امامان دوازده گانه، با توجه به دلایل قرآنی، حدیثی و عقلی است و باور دارد که آنان مثل پیامبران از هر گونه اشتباه مصون هستند روشن است؛ چرا که وی بر اساس این دیدگاه، می تواند ادعا کند که گرچه عقل بشر به تحلیل و توجیه آن قادر نیست، ولی آن حضرت با توجه به آگاهی کامل و کافی از موازین شرعی و مقتضیات زمانی و مکانی خود، اقدام به چنین کاری را لازم می دانستند لذا به این کار اقدام نموده اند.

برای یافتن پاسخ قانع کننده و روشن، ابتدا شایسته است مروری اجمالی به جنبه های مختلف شخصیتی امام حسین (ع) بيفکنیم و نظرات و پاسخ های مختلف عالمان اسلامی را از نظر گذراننده، آن گاه مسئله را از زوایای قرآنی، حدیثی و عقلی پی بگیریم.

### شمه ای از زندگی و شخصیت امام

طبق نقل تاریخی، امام در سوم شعبان سال چهارم هجری متولد شد. گفته شده که مدت حمل ایشان فقط شش ماه بوده است. چنان که یحیی بن زکریا (ع) نیز پس از شش ماه تولد یافت. امام در دامانی پاک پرورش یافت و در زندگی خود قرآن را تجسم عینی بخشید و حیات فردی و اجتماعی خود را با آن منطبق ساخت. همواره روزه می گرفت و شب ها به نماز می ایستاد، ۲۵ بار پیاده به حج مشرف شد، در حالی که امکانات سفر برای ایشان فراهم بود. او همواره به جلب خشنودی خدا نظر داشت و رحمت و نصرت او را می طلبید و مصداق بارز این آیه قرآن بود: (انما یخشی الله من عباده العلماء)؛ فقط بندگان دانشمند هستند که از خداوند خشیت دارند. این شخصیت با عظمت، همان انسان شریفی است که پیامبر (ص) در موارد متعددی او را توصیف کرده و ستوده است. برای نمونه به برخی از آنها که مورد اتفاق شیعه و سنی است، اشاره می کنیم: ۱. حسین جوان بهشتی است: «ان الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة»؛ همانا حسن و حسین سرآمد جوانان بهشتی اند. ۲. حسین از اهل بیت رسول خدا (ص) است: «هر فرزندی از فرزندان آدم، رابطه خویشاوندیش به پدرشان منتهی می شود، جز فاطمه که من پدر فرزندان او در رابطه خویشی نزدیک و پدران با آنها می باشم». ۳. حسین برای امت اسلامی امام است: «این دو پسر من حسن

و حسین امام هستند، چه قیام کنند و چه سکوت کنند»۴. حسین نگهبان امت اسلامی است: «اهل بیت من پناه و امان امت است»۵. حسین رفتاری پسندیده و مشروع دارد: «...چه قیام کنند و چه سکوت کنند»۶. حسین مرتبط و منسوب به قرآن است: «این دو [عترت و قرآن] از هم جدا نمی شوند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد گردند»۷. حسین گل سرسید دنیاست: «حسن و حسین دو گل خوشبوی دنیا هستند»۸. حسین در امتداد شمایل پیامبر (ص) است: «حسین از من است و من از حسین»۹. حسین شهید راه اسلام است: «فرزندم حسین در سرزمین کربلا به شهادت خواهد رسید»۱۰. حسین وارث صفات پیامبر (ص) است: «برای حسن، قدرت و سیادت و هیبت خود را و برای حسین بخشندگی و شجاعت را به ارث می گذارم».

## دیدگاه های متفاوت پیرامون قیام امام

### اشاره

از نظر تاریخی، این موضوع مسلم است که امام در سال ۶۰هجری قمری علیه حاکم وقت؛ یعنی یزید قیام کرد ساخت و در مخالفت با وضعیت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن زمان، از هیچ کوشش و تلاشی فروگذاری نکرد و برای غلبه بر این اوضاع، حاضر شد از مدینه به مکه برود، سپس از مکه به کوفه رفتند و همراه خانواده و خویشاوندان خود، جان خود و ۷۲ تن از هم سفرانش را قربانی کند. دقت و مطالعه روی آراء صاحب نظران، نشان دهنده نظرات متفاوت آنان در این زمینه است. بخشی از دیدگاه ها به شرح ذیل است:

### دیدگاه نخست و نقد آن

برخی افراد اهل سنت معتقدند که اقدام امام، مخالف با موازین شرعی است، مانند صاحب کتاب «العواصم من القواصم». در نظر این دیدگاه، علل خلاف شرع بودن قیام امام عبارت اند از: ۱. حسین بیعت اسلامی را شکسته است. ابوبکر بن العربی در تشریح این دلیل می نویسد: «شرعاً بیعت با یزید منعقد شده بود؛ زیرا یک نفر با او بیعت کرده است! گرچه حتی این یک نفر پدرش معاویه باشد.» از این سخن به دست می آید که اولاً جامعه با یزید بیعت کرده بود و ثانیاً بیعت به وسیله یک نفر قابل تحقق است و کسی حق نادیده گرفتن این را ندارد. جای تعجب است انسان این قدر از وادی مفاهیم اسلامی به دور باشد و در او هام ذهنی خود به سر ببرد و سخنی گوید که پشتوانه محکم علمی و اسلامی نداشته باشد؛ زیرا معلوم است مسائل اجتماعی، اهمیتش فراتر از مسائل فردی است. احراز اتفاق و اجماع پیرامون مسائل اجتماعی و تحقق بیعت ضروری است. معلوم است بیعتی که فاقد عنصر فوق باشد، هیچ گونه مشروعیتی ندارد و حکومت



یزید نیز چنین موقعیتی داشت. به قول علامه محمدجواد مغنیه: «من نمی دانم این جناب ابن العریبی و کسانی که مانند او فکر می کنند، چگونه بین کشته شدن حسین با شمشیر جدش که بر امام خود یزید خروج کرده و خروج غیر عادلانه و غیر منطقی عایشه و معاویه و طلحه و زبیر علیه امام علی (ع) که انصار و مهاجرین با او بیعت کردند، جمع کرده است؟ چگونه توجیه می کند؟! این حضرات چرا در آنجا سکوت می کنند؟!». ۳. افزون بر این، طبق فرمایش پیامبر (ص)، آل ابوسفیان هیچ گونه حق شرعی نداشتند که به مرتبه خلافت و زعامت برسند. حال که بر خلاف سخن و سفارش پیامبر (ص) عمل کردند، چگونه ممکن است امام با پذیرش بیعت، به مشروعیت آنان اقرار بکند؟ محب الدین خطیب در این باره می نویسد: «یزید اهل عدالت، مراقبت و مواظبت بر نماز و دنبال کارهای خیر و پیوسته مجری و ملازم سنت بود...». چگونه یزید مؤمن بود، حال آن که طبق نقل مورخان: «یزید هم بی رحم و قسی القلب و هم غدار و خیانتکار بود. در سرشت او، از رحم و انصاف اثری نبوده است. خوشی های او مانند رفقا و مصاحبینش که تمام پست و رذل و فاسد بودند، حقارت آور بوده است. او رؤسا و پیشوایان مذهبی را این طور تحقیر و بی آبرو می نمود که به یک میمونی لباس عالم روحانی پوشانیده و بعد آن میمون را بر پشت یکی از الاغ های دارای یراق وزین عالی و قشنگ نشانده، هر جا که می رفت او را هم با خودش (برای نمایش) می برد. به شرب خمر معتاد، بود حتی وقتی که در دربار بود مشروب استعمال کرده و عربده می کشید تا این حد که در کوچه و خیابان های شهر پایتخت از او تقلید می نمودند.» از سوی دیگر، تمام هم نشینان یزید، فاسد

بودند و اخلاق ناپسند داشتند و همه پشت پا به ارزش های الهی زده بودند. به عنوان مثال، هم نشینش «اخطل» چنین می خواند: «همدمان برخیزید و ترانه ها را بشنوید. پیاله ای از شراب بنوشید و یاد قرآن را رها نمایید. صدای سازها مرا از بانگ اذان بازداشته است. حوریان بهشت را با خمره های شراب عوض کرده ام.» سؤال این است که با این اوضاع و احوال، چگونه ممکن است یزید را عادل بشماریم و ادعا بکنیم که او مرد عدالت پرور بوده است. ابوبکر بن العربی می نویسد: «هیچ کس در جنگ با حسین وارد نشد و او را نکشت مگر به تأکید اقوال و احادیث زیادی که از جدش رسول خدا (ص) رسیده بود. می گویند: رسول خدا (ص) فرمود: «... هر کس خواست بین امت متحد، تفرقه بیاندازد، هر کس می خواهد باشد، او را با شمشیر بزنید.» بی شک هر اجتماعی، به صرف اجتماع بودنش مورد رضایت شارع نیست. از نظر قرآن، آن اتفاقی مشروع است که پیرامون تبعیت از خدا صورت بگیرد و یا حول محور اعتصام به جبل الله محقق بشود. از این رو، هر اجتماعی که در محوریت قرآن و سنت نبی اکرم (ص) صورت بگیرد، مقبول شارع قرار می گیرد؛ زیرا قرآن در یک جا می فرماید: (و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا)؛ همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) چنگ زنید، و پراکنده نشوید. در جای دیگر نیز می فرماید: (و تعاونوا على البرّ والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان) [همواره] در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید. و [هرگز] در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. بنابراین، به لحاظ این که اجتماع یزید و پیروان او در مخالفت با سنت رسول الله (ص) محقق گشته بود، نمی تواند مورد پذیرش خداوند قرار بگیرد. بعضی از اهل سنت نیز بر این باورند که قیام

امام، ارتباطی به اسلام و قرآن نداشته است؛ زیرا خروج و شهادت امام، نتیجه عمل انجام شده در واقعه بدر و احد بوده است. در این زمینه عبدالکریم خطیب، نویسنده شهیر مصری می گوید: «پس از رحلت نبی اکرم (ص) قریش در مقابل بنی هاشم جبهه گیری وصف بندی نمود و خلافت غصبی را مورد حمایت قرار داد. سپس شمشیرها را کشیده و علیه بنی هاشم به کار گرفت و پیر و جوان و کودک آنها را از دم تیغ گذرانند و اندیشمندان و بزرگان قوم و آزاد مردان را آواره و تبعید نمود. گویا می خواست با این اعمال، انتقام خون های بدر واحد را بگیرد. کافی است که تذکر دهیم شهادت حسین و خاندان او در کربلا و آن گاه کشته شدن گروهی از وابستگان به اهل بیت در «واقعه طف» و پی آمدهای آن و سایر وقایع، نتیجه همان انتقام خونین بوده است.» دیدگاه فوق از چند جهت قابل نقد و ارزیابی است: این که ادعا کنیم انگیزه اجتماع پیروان یزید، تنها موضوع انتقام کشته شدگان قبلی خودشان بوده است و این علت اساسی در وقوع چنین حادثه عظیمی در آن زمان بوده است، درست نمی باشد به این جهت درست است که انگیزه برخی از حاضران در آن قضیه، مسئله انتقام بوده و خودشان نیز در موقع قتال و رو به روشن شدن با شخص امام حسین (ع) اظهار می داشتند، اما این موجب نمی شود که این را سرایت به همه بدهیم و مدعی شویم که انگیزه آنها تنها این مسئله بوده است. تحلیل قضیه به این صورت، نشان دهنده غفلت از تأمل عمیق، از این مسئله عظیم است. تردیدی نیست در این که حضرت علت قیام خود را مورد اشاره قرار می دهد و از این راه، می خواهد بیان بفرماید که کسی خیال نکند اغراض شخصی باعث مورد

هجمه قرار گرفتن خانواده اهل بیت گشته است، بلکه هدف احیای سنت نبی و اصلاح امت پیامبر (ص) به لحاظ وخامت اوضاع و تحریف حقایق اسلامی است. بنابراین در یک صف، گروه شاکرین و در صف دیگر گروه طاغوت ها قرار دارد. حال در این وضعیت پیش آمده، چگونه می توان به این مساله رنگ غیر اسلامی بخشید و آن را خارج از اسلام و قرآن دانست. اگر فرض کنیم که قضیه فوق به لحاظ انتقام بوده است، در آن صورت لازم است گروه عرب را گروهی وحشی و غیر متمدن معرفی کنیم. حال آن که این مردم مدت ها با پیامبر و اصحاب پیامبر بودند و تحت تعلیم و تربیت آنان بودند. چرا که حتی این گروه ظالم بر زنان و کودکان خردسال نیز رحم نکردند و بی شرمانه فجایع بزرگی را به نمایش گذاشتند. بنابراین نتیجه می گیریم که موضوع انتقام در میان نبوده و یا اساسی نبود. بلکه مسئله، نقطه مقابل هم قرار گرفتن اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام منقلب و تحریف شده بود که جهالت مردم و عوامل دیگر، باعث گردید. چنین مسئله ای در تاریخ اسلام روی دهد. از این رو، می بینیم در صحنه عاشورا، تنها از جانب برخی انگیزه انتقام مطرح گشت و اما بقیه که اکثریت را تشکیل می دادند، انگیزه های دیگری مدنظر داشتند. اقدام امام حسین در برابر یزید را، اگر فرض کنیم در برابر ستم بود، اما مساوی با هلاکت و برابر با فنای بی گناه بود، باید بر خلاف آیات قرآنی دانست؛ زیرا قرآن می فرماید: (وانفقوا فی سبیل الله ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة)؛ در راه خدا انفاق کنید، (و با ترک انفاق) خود را به دست خود به هلاکت نیفتانید. با این حساب، عمل امام چگونه می تواند با موازین

شرع منطبق باشد. افزون بر این، شبهه فوق نه تنها در رابطه با قیام امام حسین (ع) قابل طرح است، بلکه درباره برخی حوادث اتفاق افتاده در تاریخ حیات ائمه (ع) نیز می تواند مطرح بشود. از آن جمله، راه افتادن و حرکت امام علی (ع) سوی مسجدی که می دانست در آن محل، سرش شکافته خواهد شد و با این که می دانست ابن ملجم او را زخمی می کند، ولی او را برای اقامه نماز بیدار می کند.

## نقد و پاسخ

برای پاسخ به این گونه پرسش ها، ضروری است نخست نگاهی کوتاه به آیه مورد بحث و تفسیر آن افکنده و آن گاه به بررسی و تحلیل اعمال انجام شده از سوی ائمه (ع) بپردازیم. این آیه از نظر مفسران، دو گونه تفسیر شده است: ۱. برخی معتقدند که باء در عبارت «باید یکم» زائد است و «ایدی» هم کنایه از قدرت و قوت است. بر این اساس معنی آیه این گونه می شود: در راه خدا انفاق کنید و برای انفاق نکردن، قدرت و شوکت خودتان را نابود نکنید؛ چرا که مقوله جهاد، به همان اندازه که به مردان زورمند و کارآموده نیازمند است، به اموال و ثروت نیز احتیاج دارد. گفتنی است که این معنا، با وضعیتی که در هنگام بروز جنگ در زمان رسول خدا (ص) اتفاق می افتاد، تأیید می شود؛ زیرا در آن زمان، بسیاری از مسلمانان شور و عشق به جهاد در سر داشتند ولی نیازمند بودند. قرآن در این زمینه می فرماید: (تولوا و اعینهم تفیض من الدمع حزناً الا- یجدوا ماینفقون)؛ با چشمان گریان و پر اشک بر می گشتند، محزون بودند که چرا مالی ندارند وسیله تهیه کنند و در جنگ حاضر گردند. علامه طباطبایی با طرفداری از نظر فوق، معتقد است: «گرچه آیه، به انفاق مال برای برپایی جنگ در راه خدا

امر می کند، اما مفاد آیه مطلق و عموم است و از آن نهی از هر گونه افراط و تفریطی که موجب هلاکت انسان می شود، اراده شده است.» بعضی دیگر از عالمان، با ادعای این که باء در آیه زائد نیست و واژه «ایدی» هم کنایه از «انفس»، بواء معنای سیب است. نهایت این که مفعول در آیه حذف شده است و بر این باورند که آیه به این معناست: خودتان و دیگران را، یا سایر نوامیستان را به سبب فعالیت های خود تباه نکنید. صاحب تفسیر الفرقان از حامیان این نظر است. از نظر وی، آیه شامل تهلکه های نفسی، عقلی، دینی، عرضی و مالی است. در هر صورت، شبهه هنگامی طرح می شود که گفته شود: گرچه آیه درباره خصوص پرداخت مالی در زمان جنگ سخن می گوید، لکن با الغاء خصوصیت معنی، مفهوم عام از آن مراد است و مقصود این است که انسان نباید خود را در اثر افراط و تفریط نابود سازد، ولی اگر چنانچه معتقد باشیم که آیه، شامل انفاق در زمان جنگ است، دیگر شبهه منتفی می شود. این گونه نیست که ائمه: این آیه را نادیده گرفته باشند، بلکه در میان آنان، امام رضا (ع) را می بینیم که در توجیه پذیرش ولایت عهدی از سوی مأمون، به همین آیه استناد می کند و می فرماید: «اللهم انک قد نهیتنی عن الالقاء ببیدی الی التهلکه و قد اکرهت و اضطرت»؛ ای خدا تو خود مرا نهی کرده ای از این که خودم را فنا سازم، زیرا مکره و مجبور شدم...»<sup>۲۰</sup>. حرکت و راه افتادن علی (ع) سوی مسجد نیز از مصادیق «القاء نفس به هلاکت» نیست، چرا که اولاً در روایتی وارد شده که همین پرسش را حسن بن جهم از امام رضا (ع) می پرسد و امام (ع) در

پاسخ می فرماید: «ذلک کان ولکنه خیر فی تلک اللیله لتمضی مقادیر الله عزوجل» «آن گونه بود و امام می دانست، ولکن همان قضیه در آن شب برگزیده شد تا مقدرات خداوند امضاء گردد.» ثانیاً «امام به علم ظاهری که قابل محو واثبات است و بداء را پذیراست، به قضیه علم داشت و نه به علم باطنی که مخصوص خداوند تعالی است و امام بدان آگاهی ندارد.» از سوی دیگر، حرکت و قیام امام حسین (ع) نیز از تحت شمول آیه خارج است به چند دلیل: الف) هلاکت، در جان دادن و از دست دادن بدن به دفاع از قرآن و اسلام معنی و مفهومی ندارد، در آن جا صدق پیدا می کند که انسان، در عین نیاز اسلام و قرآن به جان فشانی او گام پیش نگذارد و خودش را در ظاهر و مرحله عمل از خطرات مصون بدارد. چرا که این عقب نشینی و پذیرش ستم، نوعی تباهی به شمار می آید و آیه در پی ارائه این معناست که انسان ها حق ندارند این گونه خودشان را به هلاک کنند. بنابراین، منظور آیه نهی از هلاکت معنوی و حقیقی، است نه هلاکت ظاهری و مادی. ب) آیه (لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه) از نظر علم اصول فقه مطلق است و آیاتی که در رابطه با دفاع و مقابله به مثل نازل شده است، مقید هستند. آیه مورد بحث با این گونه آیات مقید می شود. به خصوص با توجه به این که در هیچ کدام از آیات مقید، سخنی از قید «لا تلقوا» نیامده است. پس معلوم می شود که از منظر قرآن، در مقوله دفاع از جان، آبرو و دین، هلاکت و از دست رفتن بدن به منظور دفاع، ارزش و منزلت عالی هم پیدا می کند و خداوند، اشخاصی را که از برای دفاع اسلام و قرآن جان شان

را از دست می دهند، مژده های خوب و ویژه می دهد.ج) بر اساس قاعده علم اصول فقه، این موضوع پذیرفته شده است که امر اهم در مقام معارضه با امر مهم، تقدم و ترجیح پیدا می کند. طبق این قانون، می گوئیم درست است که صیانت جان از خطرات مهم است، ولیکن دفاع از کيان اسلام و قرآن به نوبه خود از آن مهمتر است. بنابراین صیانت اسلام بر حفظ بدن تقدم می یابد، گرچه این صیانت از طریق هلاکت بدن محقق شود.د) از آنچه بیان شد، معلوم می شود امر به معروف و نهی از منکر در زمان خطر جانی و ضرر مالی ساقط می شود، در صورتی که قضیه شخصی یا عادی باشد و اما آن جا که مسئله حیاتی است و عدم اقدام برابر با عذاب اخروی و مساوی با سقوط نظام اسلام و قرآن است عمل به این اصل حیاتی مقید و مشروط به عدم زیان مالی یا جانی نمی شود.

### قیام مصلحان از منظر قرآن

ببینیم قرآن کریم در رابطه با مصلحان چه می گوید و انگیزه های آنان را چگونه معرفی و بیان می دارد؟ از مجموع آیات وارد در ارتباط با این مسأله، چند نکته را می توان به شرح ذیل استفاده کرد: ۱. در اصلی مخالفت با اصلاح مصلحان از منظر قرآن، برقراری نظام ظالمانه در زندگی بشری و حمایت برخی افراد از آن نظام در عرصه حیات است. خداوند در این زمینه می فرماید: (و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انما بما ارسلتم به کافرون)؛ ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بيم دهنده نفرستادیم، مگر این که مترفین آنها [که مست ناز و نعمت بودند] گفتند: ما به آنچه فرستاده شده کافریم. نیز در این باره می فرماید: (و كذلك ما ارسلنا من قبلک فی قریه من نذیر الا قال



مترفوها اُنیا وجدنا آباثنا علی اّمه و. این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انداز کننده ای نفرستادیم، مگر این که ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم. از آیه نخست به دست می آید که علت اصلی مخالفت با انبیا، حاکمیت اسراف و اتراف بر عده ای از مردم در زندگی و برقراری رفتار ستمگرانه بر عده دیگری از افراد جامعه است؛ یعنی انسان های ستمگر برای از دست رفتن موقعیت شغلی و مادی خود در مقابل اصلاح مقاومت می کنند. از آیه دوم نیز افزون بر استفاده مطلب گذشته این، موضوع نیز استنباط می گردد که گاهی افراد سودجو، برای منحرف کردن افکار عمومی و افراد ستمدیده که دنباله رو رفتار سلف خود هستند، با بهانه قرار دادن آن، در صدد بر می آیند که با ادعای این که میراث گذشتگان با چنین اصلاحی از بین می رود، در مقابل آن بایستند و سعی کنند در این راه از افراد ضعیف هم کمک بگیرند. ۲. رعایت نشدن عدالت اجتماعی، علت اصلی دیگر قیام مصلحان از منظر قرآن است. قرآن کریم، با تکیه بر این موضوع که انسان ها باید دنبال اصلاح باشند و عدل اجتماعی را میان خود اجراء کنند، اشاره می کند اگر این روند در جامعه رعایت نشد، می بایستی عده ای برای اصلاح این موقعیت قیام بکنند: (فَلَوْ لَا كَانِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ قَبْلَكُمْ أُولُوا بَقِيَهُ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ...); چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم... از این آیه چند نکته نیز استفاده می شود: الف) نهی از فساد در روی زمین و مبارزه

با آن برای همه واجب است. ب) کمی افراد، مجوز ترک این وجوب نیست. ج) علت اصلی فساد در روی زمین، اتراف و اسراف است. د) حافظ بقاء یک ملت، عدل است. ملوک با کفر باقی می ماند و با بهم خوردن تعادل باقی نمی ماند. ۳. برقراری عدل و قسط نیز، علت اصلی قیام مصلحان است. قرآن کریم، هدف از قیام و ارسال افراد مصلح را برقرار کردن عدل و عمل به میزان در بین مردم معرفی کرده و متذکر این مطلب می شود که انسان ها در سایه برقراری نظام عادلانه است که می توانند به تکامل و سعادت واقعی برسند. از این رو در قرآن، از یک سو می بینیم که در تبیین علت قیام موسی علیه فرعون، عمل کردن وی به استضعاف مردم را گوشزد می کند: (ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعاً يستضعف طائفه منهم یذبح ابنائهم و يستحیی نسائهم انه کان من المفسدین)؛ فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروههای مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسرانش را سر می برید و زنانشان را [برای کنیزی و خدمت] زنده نگه می داشت؛ او به یقین از مفسدان بود. و از سوی دیگر، در فلسفه نزول عذاب و هلاکت بر قومی، عمل نکردن آنها به اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر و شیوع فساد و رواج ظلم در میان آنها را مورد اشاره قرار می دهد: (کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون)؛ آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند، چه بدکاری انجام می دادند!». و حال آن که در نقطه مقابل این آیه به چشم می آید: (اولئک هم المفلحون)؛ آنها [عاملین به امر به معروف و نهی از منکر] همان رستگارانند. ۴.

تحریف و تبدیل قوانین الهی و آسمانی، علت دیگر قیام مصلحان را تشکیل می دهد. روشن است که هرگاه جمعیتی به دین خود پای بند نباشند و حتی در مقام تغییر آن بر نیایند و به بهانه های مختلف از عملکرد خود حمایت و جانبداری نکنند، در چنین وضعیتی، خداوند درصدد اصلاح آنان بر می آید و برای انجام آن افرادی را مأمور می کند. خداوند در این زمینه می فرماید: (هو العذی بعث فی الامیین رسولاً - منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمه وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین)؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب [قرآن] و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

### حسین اصلاح گر بزرگ از دیدگاه قرآن

برای این که ثابت شود، قیام ابا عبدالله (ع) بر اساس تعالیم روح بخش قرآنی صورت گرفته و برخاسته از عمل به کلام خداوند است در این زمینه آیاتی را که توجیه گر کارهای امام حسین (ع) در ابعاد متفاوت می تواند باشد مورد بررسی قرار می دهیم. در این رابطه می توان به چند نکته اشاره کرد: ۱. هجرت و حرکت امام: قرآن کریم درباره هجرت و سبب آن می فرماید: (والذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبؤئنهمن فی الدنیا حسنه ولاجر الاخره اکبر لوکانوا یعلمون)؛ آنها که پس از ستم دیدن، در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می دانستند.» بی تردید، هنگامی که امام، در مدینه حضور داشت از طرف حاکم مدینه در اثر فشار یزید، مورد بی مهری قرار گرفت و منزلت و شخصیت حضرت مورد توجه قرار نگرفت. از این رو، امام با مشاهده ظلم

تصمیم گرفت به مکه برود. در مکه نیز از طرف مأموران دولتی در معرض ترور و قتل واقع شد و برای اجتناب از شکسته نشدن حرمت کعبه و مکه، به کوفه رفت و در میانه راه کوفه و کربلا، با مشاهده آزار و اذیت خلافت باز قصد هجرت به مکه و مدینه را می کند که با مخالفت مأموران نمی تواند بدان جامه عمل بپوشاند. ۲. نپذیرفتن خلافت یزید از سوی امام (ع) شکی نیست که این امر به این سبب بود که معاویه، حق تعیین جانشین را نداشت و یزید فاقد مشروعیت سیاسی و اجتماعی بود و حق نداشت از امام بیعت بگیرد و این همان ظلم بزرگ و اجحافی بود که در حق امام داشت اعمال می شد. روشن است که امام این حق را داشت که از حقوق خود دفاع بکند و فریاد خود را به اذهان مردم برساند و چاره ای برای اطلاع رسانی و آگاه سازی مردم جز قیام و مخالفت علنی و ظاهری با دستگاه وقت نداشت. قرآن می فرماید: (لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم وکان الله سمیعاً علیماً)؛ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدی ها (ی دیگران) را اظهار کند، مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست.» بر اساس این آیه، امام حق داشت که بدی های یزید و اعوان وی را برملا سازد و ستم های آنها را به گوش مردم برساند. خداوند می فرماید: (اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدیر)؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. ۳. تکرار دوران جاهلی و اطلاع رسانی امام: پس از رحلت رسول خدا (ص)، افرادی که ریشه در سنن و رسوم

جاهلی داشتند، بسیار تلاش می کردند که سن گذشته خود را احیا کنند. گفتنی است که با تأمل در حوادث به خوبی روشن می گردد که این فرایند، روز به روز داشت به هدف خود نزدیکتر می شد تا جایی که توانست موروثی کردن تعیین خلیفه را نهادینه کند و در تقسیم بیت المال تبعیض روی دهد و حتی تبعیض قومی و نژادی را مشروعیت بخشد. در چنین موقعیتی است که هشدار و پیش گویی قرآن کریم در ترسیم وضعیت آینده جامعه یعنی سال یازدهم هجری و سال های بعد از آن، مصداق پیدا می کند. قرآن کریم در این ارتباط می فرماید: (و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أفائن مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه فلن یضرّ الله شیئاً وسیجزی اللّٰه الشاکرین)؛ محمد (ص) فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب بر می گردید؟! (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟!)) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند؛ و خداوند به زودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد. علّت این امر، این است که امام حسین (ع) در ترسیم وضعیت زمان خود می فرماید: «ان السنه قد امیتت وان البدعه قد احییت»؛ سنت و روش پیامبر مرده است و بدعت های جاهلی دیگر باره احیا شده اند. در همچو وضعیتی، روشن است که وظیفه امام طبق فرمایش قرآن کریم جز استقامت و مقاومت در برابر بدعت ها چیز دیگر نمی تواند باشد. این در حالی است که قرآن کریم می فرماید: (فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً)؛ «خداوند مجاهدان را بر نشستگان پاداش عظیمی برتری بخشیده است. ۴. برقراری حکومت

طاغوت واجتناب امام از آن: بی گمان طبق حدیث پیامبر (ص) خلافت بر آل ابوسفیان و طلقاً حرام بود. اما از آنان، افرادی چون معاویه، یزید، مروان و ابن زیاد به حاکمیت رسیدند و با این کار خلاف فرمایش پیامبر (ص) عمل کردند و بدین صورت نشان دادند که مصادیق بارزی از طاغوت هستند، چرا که اگر از آنان نبودند پیامبر از رسیدن آنها به حکومت ممانعت به عمل نمی آورد. قرآن کریم درباره افراد طاغوت می فرماید: (لقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت)؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید.» به همین منظور امام حسین (ع) در نامه ای به معاویه، می نویسد: «و ما اعلم فتنه اعظم من ولايتك هذه الامه؛ من فتنه ای سهمگین تر از حکومت تو بر این امت سراغ ندارم. آن حضرت درباره یزید، که به گفته مورخان در قرآن ستیزی و محور آثار اسلام و احکام دین کاملاً بی پروا بود، می فرماید: «باید با اسلام خداحافظی کرد که امت اسلامی به فرمانروایی چون یزید گرفتار آمده است.» حال چگونه ممکن است که با این شرایط پیش آمده، امام (ع) کنار بیاید و در برابر این وضعیت چیزی نگوید و اقدامی انجام ندهد؟ از این رو، امام بر اساس آیه فوق برای خود وظیفه دید که از طاغوت وقت، لب به اعتراض بگشاید و تنها حاکمیت الهی را پذیرا گردد.

### نتیجه گیری

امام حسین (ع)، با دارا بودن صفات عدیده ای چون فضیلت، عدالت، عزت و غیره نمی توانست گسترش و شیوع اوصافی چون جهالت، رذیلت، ذلت و امثال آن را در ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم زمانه خود را تحمل کند؛ چرا که امام از یک سو تحت تربیت محمدی

و علوی قرار داشت، و از سوی دیگر به آموزه های قرآنی و خدایی آگاهی کامل داشت. معلوم است که قرآن، ضمن ترغیب مردم به حرکت رو به رشد و تکامل، آنان را به مبارزه با روند فساد و اصلاح آن فرا می خواند. امام (ع) با قیام مصلحانه خود، نشان داد که می توان خواسته های الهی و قرآنی را در جامعه عینیت بخشید و با عمل به آن، سعادت دنیوی و اخروی را کسب کرد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

